

نقش ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران

در امنیت انرژی جهانی بر اساس مدل مدیریت استراتژیک «swot»

علیرضا گلشنی^۱ - حمیدرضا سهرابی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۷

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۱/۱۵

چکیده

«امنیت انرژی» یکی از مباحث راهبردی در سیاست جهانی است که همه کشورها به آن توجه ویژه ای دارند. جمهوری اسلامی ایران در کانون منطقه‌ای با عنوان «بیضی استراتژیک انرژی» قرار گرفته که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی دارد؛ به گونه‌ای که از نظر کارکرد به سان قلب جهان عمل می‌کند و به همین اعتبار، دارای نقش ژئوپولیتیکی است.

این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل نقش ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران در امنیت انرژی جهانی جهت استفاده بهتر و بهینه از این موقعیت، شناخت تهدیدها و استفاده حداکثری از فرصت های ژئوپولیتیکی می باشد. چارچوب

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا agolshani41@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا shabmhtabi@yahoo.com

نظری این پژوهش بر اساس نظریه بیضی استراتژیک انرژی جفری کمپ، می باشد که در قالب مدل مدیریت استراتژیک «swot»^۱ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

بر اساس یافته های این پژوهش افزایش تقاضای منابع انرژی در کشورهای صنعتی جهان مانند ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا با تقاضای رو به افزایش کشورهای شرق و جنوب آسیا مانند هند و چین باعث شده این بیضی انرژی استراتژیک با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران نقشی فعال تری را در سیاست های جهانی بازی کند. با توجه به نیازهای نفتی اکثر قدرت های بزرگ، ایالات متحده آمریکا سعی می کند، از منابع انرژی به عنوان یک اسلحه برای اداره امور جهانی و تحقق بخشیدن به نظام هژمونی گرایانه اش استفاده کند. در شرایط کنونی آنچه بازار جهانی انرژی نیاز دارد، نظامی فراگیر مبتنی بر نگرش امنیت بین المللی و بازی برد-برد به امنیت انرژی است، که نفع و سهم متناسب تمامی بازیگران بازار جهانی انرژی را شامل شود. پس امنیت انرژی جهانی مستلزم ایجاد «امنیت جمعی» می باشد.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی - ژئوپولیتیک - بیضی استراتژیک انرژی - هارتلند انرژی -

مدل «swot»

مقدمه

بررسی نقش ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران در امنیت انرژی جهان یک موضوع راهبردی است زیرا یکی از متغیرهای اصلی در شکل گیری روابط میان کشورها عوامل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی می باشند. ویژگی مهم نقش متغیرهای ژئوپولیتیک

۱. Strength Weakness Opportunity Threat

در شکل‌گیری روابط میان کشورها دیر پا بودن و ثبات آن در طول زمان است. این امر برخلاف نقش متغیرهای سیاسی است که در طول زمان دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. در واقع روابط مبتنی بر متغیرهای ژئوپولیتیک بر پایه جغرافیا و روابط مبتنی بر سیاست مبتنی بر عوامل ایدئولوژیک، حزبی، جناحی و گاه حتی بر پایه عناصر و اندیشه‌های سیاسی شکل می‌گیرند. پس تفاوت عمده آنها دیرپایی اولی در برابر گذرا بودن دومی است. با توجه به این ویژگی‌هاست که تنظیم روابط خارجی و برقراری روابط دوستانه میان کشورها بر مبنای مولفه‌های ژئوپولیتیک می‌تواند موجب صلح و ثبات پایدار در میان کشورهای جهان شود. همچنین تنظیم روابط خارجی بر مبنای شاخصه‌های سیاسی، گرچه ممکن است در کوتاه مدت فصلی از روابط خوب را میان کشورها ایجاد کند. اما با توجه به ویژگی گذرا بودن این وضعیت نمی‌تواند تامین‌کننده منافع کشورها در بلندمدت باشد.

کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک بین دو منطقه سرشار از انرژی گاز و نفت خلیج فارس و دریای خزر واقع شده است. وسعت، جمعیت، عمق استراتژیک، موقعیت دریایی و گذرگاهی جمهوری اسلامی و تسلط بر سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه استراتژیک هرمز موجب شده جمهوری اسلامی ایران بالاترین و تأثیرگذارترین نقش را در این حوزه داشته باشد. خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مخزن نفتی جهان، نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت اقتصادی جهان دارد و نه تنها یک منبع عظیم سوخت است، بلکه یک اهرم عظیم قدرت به حساب می‌آید.

هر اندازه که توجه بین‌المللی بر روی دو منطقه خلیج فارس و دریای خزر به عنوان مهم‌ترین حوزه‌های انرژی در قرن بیست و یکم بیش‌تر شود اهمیت

موقعیت ژئوپلیتیک بی‌همتای جمهوری اسلامی ایران در میان این دو منطقه به صورت یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر افزایش خواهد یافت. موقعیت ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به عنوان یک واحد مستقل و مهم منطقه‌ای، بر معادلات سیاسی و جهانی تأثیر گذار باشد.

در راستای تجزیه و تحلیل موضوع، در این پژوهش از مدل مدیریت استراتژیک «SWOT» فرآر دیوید استفاده شده است. یکی از روش‌های تحلیل مسایل استراتژیک، مدل مدیریت راهبردی «SWOT» می‌باشد. در این الگو با شناسایی دقیق نقاط قوت و ضعف (عوامل درونی) و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات آن (عوامل بیرونی) و ترسیم شرایط موجود، به تدوین اهداف و راهبردهای کوتاه-مدت و بلندمدت به تعیین یکی از رویکردها و راهبردهای تهاجمی، تدافعی، رقابتی و محافظه‌کارانه اقدام می‌گردد (مدیریت استراتژیک بر اساس مدل SWOT، ۱۳۹۰: ۱).

چارچوب نظری تحقیق، بر اساس نظریه بیضی استراتژیک انرژی می‌باشد این نظریه توسط جفری کمپ در کتاب خود تحت عنوان «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه» در سال ۱۹۹۷ مطرح گردید. وی در کتاب خود با نظریه ای تکمیلی بر دو نظریه هارتلند مکیندر و ریملند اسپایکمن می‌نویسد: مجموعه سرزمین‌های دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر منطقه ای بیضی شکل انرژی استراتژیک است که سرزمین ایران مانند پلی استراتژیک این دو منبع بزرگ انرژی جهان را به هم پیوند می‌دهد (جفری کمپ، رابرت هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۴).

امنیت انرژی

مفهوم امنیت انرژی پس از شوک اول نفتی مطرح شد. بی تردید منابع انرژی مانند نفت و گاز کالای استراتژیک هستند، چون نقاط مصرف عمده آن با نقاط تمرکز منابع نفتی تفاوت دارد به پدیده‌ای ژئوپولیتیک هم تبدیل شده اند. در همین راستا تعاریف مختلفی از واژه «امنیت انرژی» توسط صاحب نظران مختلف صورت گرفت که مهمترین این تعاریف در این پژوهش ذکر می شود. نخست واژه امنیت انرژی به عرضه مداوم و مطمئن با قیمت های معقول در حامل های انرژی باز می گردد. کسانی که از این واژه استفاده می کنند به دنبال آن هستند که تهدیدات ژئوپولیتیک، اقتصادی، تکنیکی، زیست محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را کم نمایند. اما مراد از کاربرد این واژه توسط سیاستمداران ناظر بر این موضوع است که نخست دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد. سپس این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی منابع و همچنین مسیرهای انتقال داشته باشند و در وهله بعد جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تامین گردند که حکومت های آنان دارای ثبات و عدم تغییر باشند» (مهدوی رجا، ۱۳۸۹: ۱).

امنیت انرژی به تولید و مصرف روان انرژی خصوصاً نفت و گاز اطلاق می شود؛ چنانچه هیچ مشکلی بر سر راه استخراج تولید و حمل و نقل تولید، توزیع و مصرف آن وجود نداشته باشد. امنیت انرژی مباحث گسترده ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت های مناسب انرژی، تعیین سیاست های انرژی، تغییرات آب و هوایی و محیط زیستی ناشی از مصرف برخی سوخت ها و انرژی های جایگزین را در بر می

گیرد (۱: Winstone, ۲۰۰۷). به طور کلی امنیت انرژی دارای مفهوم وسیع امنیتی می باشد اما به نظر می رسد که ترکیبی از امنیت نظامی و امنیت اقتصادی است (۳: Oyama, ۲۰۰۰).

امنیت نظامی از حیث عدم تهدید نظامی در حین تولید و حمل و نقل تا رسیدن به مقصد حائز اهمیت می باشد و امنیت اقتصادی به مسایل سرمایه گذاری مناسب برای تولید، توزیع و همچنین قیمت های متعادل حامل های انرژی مربوط می باشد. همچنین اثر اختلال یا انقطاع عرضه نفت و شوک های قیمت بر کارایی و کارکرد اقتصادی واردکنندگان اصلی نفت عمیق خواهد بود. اکنون پذیرفته شده که بحران های نفتی دهه ۱۹۷۰ رشد تولید ناخالص داخلی غرب را نیز در رکود فرو برده است. این خط و مسیر استدلال جدید دغدغه های امنیت انرژی را گسترش داده است (موسوی شفایی، ۱۳۸۵: ۴). به نظر می رسد مصرف کنندگان نفت و گاز امنیت انرژی را از دیدگاه خود مطرح می سازند و بدیهی است که تولید کنندگان نیز به دنبال تعریف خاص خود از این مفهوم باشند. مفهوم امنیت انرژی از نظر کشورهای غربی شامل مولفه های زیر است:

۱- دسترسی مطمئن، تضمین شده، آسان و دائمی به انرژی ارزان برای تامین نیازهای اقتصاد مدرن و توسعه رشد اقتصادی خودکفایی در زمینه انرژی و به حداقل رساندن وابستگی به انرژی وارداتی که این کشورها را به مناطق بیرون از خودشان از جمله منطقه پرآشوب خلیج فارس وابسته می کند.

۲- ایجاد ذخایر استراتژیک انرژی و وارد کردن نفت به بازارهای بورس برای رقابتی کردن بازار نفت و خارج کردن کنترل بازار از دست اوپک.

۳- کنترل جریان اطلاعات انرژی و خط‌دهی به بازار از طریق پیش‌بینی‌ها. این پیش‌بینی‌های بلندمدت در واقع کشورهای عضو اوپک را وادار به تولید ظرفیت های مازاد می کرد چون همین ظرفیت های مازاد، امنیت را برای بازار نفت

به ارمغان می‌آورد (حسن تاش، ۱۳۹۱: ۱). به‌طور سنتی و تاریخی متخصصان و سیاست‌مداران، امنیت عرضه نفت را همان امنیت انرژی می‌دانند و آن را به امنیت انرژی کشورهای مصرف‌کننده عمدتاً توسعه‌یافته محدود می‌کنند. در پایه‌ای‌ترین شکل، امنیت انرژی به معنای در دسترس بودن مقدار کافی انرژی برای تداوم حرکت اقتصادی و رفع نیازهای خانگی، حمل و نقل و نظامی به قیمت مناسب و نسبتاً ثابت است (موسوی شفایی، ۱۳۸۶: ۲).

ورای این سطح پایه سیاست امنیت انرژی اغلب به شوک‌های حاد قیمت و عرضه ناشی از تحریم‌های سیاسی و بلایای طبیعی مربوط بوده است. این در حالی است که به‌قول دانیل یرگین «مفهوم امنیت انرژی» برای کشورهای مختلف متفاوت است (موسوی شفایی، ۱۳۸۶: ۲)؛ به‌عنوان مثال برای کشورهای توسعه‌یافته به معنای دسترسی به عرضه کافی با قیمت مناسب است. برای کشورهای صادرکننده به معنای امنیت تقاضا برای حفظ درآمدهای نفتی دولت است. برای روسیه به معنای تقویت کنترل دولتی بر منابع استراتژیک و کسب تفوق بر مسیرهای اصلی انتقال و کانال‌های بازار انرژی می‌باشد. برای کشورهای در حال توسعه به معنای آن است که تغییر قیمت انرژی چه تاثیری بر موازنه پرداخت‌های آنها خواهد داشت. برای چین و هند به معنای تضمین و تامین انرژی کافی برای تداوم رشد پرسرعت اقتصادی شان است. برای ژاپن به معنای جبران کمبود داخلی از طریق متنوع‌سازی، تجارت و سرمایه‌گذاری است.

امروز دو برداشت کلی نسبت به امنیت انرژی مطرح است: الف) برداشتی که امنیت انرژی از منظر مصرف‌کنندگان را مد نظر داشته و آن را مترادف با تأمین عرضه انرژی و نفت برای مصرف کشورهای صنعتی می‌داند و در همین چارچوب انجام هر اقدامی حتی اقدام غیرقانونی را برای تحقق این امر مشروع

می‌داند. برداشتی که در چارچوب آن اشغال کشورها مجاز و خون‌ریزی و پایمال شدن حقوق مردم بیگناه یک کشور برای حفظ جریان نفت موجه بلکه قابل دفاع جلوه داده می‌شود.

ب) برداشت معقول، منصفانه و مترقی مبنی بر تأمین امنیت انرژی در معنای وسیع آن که شامل همه انواع انرژی و تأمین امنیت انرژی برای همه کشورها بوده و امنیت همه امور و فعالیتهای مرتبط با آن و تأمین حقوق کشورها را مد نظر دارد (حسن تاش، ۱۳۹۱: ۱). برداشت اخیر مد نظر این پژوهش می‌باشد.

منابع نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران

مناطق نفتی ایران مشتمل بر مخازن و میدان‌های نفتی واقع در قلمرو خاکی و آبی کشور ایران است. برخی از این میادین در حال حاضر فعال و تعدادی نیز غیر فعال و یا در حال توسعه می‌باشند. اکثر میادین نفتی کشورمان در جوار رشته کوه‌های زاگرس واقع شده‌اند. حوضه زاگرس که در جنوب غرب ایران و شمال عراق قرار گرفته است، از لحاظ موقعیت تکتونیک صفحه‌ای حاشیه تکتونیکی شده عربستان را تشکیل می‌دهد (الیاس زاده، ۱۳۸۹: ۲۵).

این میادین از شمال استان خوزستان شروع شده و تا جنوب استان بوشهر گسترش دارند. میادین گازی نیز در امتداد شمال و جنوب روند میادین نفتی واقع شده‌اند. یعنی از استان کرمانشاه در غرب آغاز شده و تا استان هرمزگان ادامه دارند. میادین هیدروکربنی خلیج فارس هم در همین روند قرار دارند. در استان کرمانشاه حضور میادینی همانند سرکان و ماله کوه در ایران و میدان نفتی فوق عظیم کرکوک در کشور عراق و به فاصله هوایی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتری از

مرز ایران خبر از پتانسیل خوب اکتشافی در این ناحیه می دهد (مخازن جدید نفتی و گاز، ۱۳۹۱: ۲).

در شمال شرق کشور در حوضه کپه داغ وجود دو میدان گازی خانگیران و گنبدلی (میدان مشترک با ترکمنستان) نشان از وجود پتانسیل های اکتشافی مناسب می دهند. در شمال غرب نیز در منطقه مغان حضور نفت سنگین اثبات شده است. مرکز کشور وجود میدان گازی سراچه قم و همچنین میدان البرز با نفت مرغوب خود را نشان می دهند. مرکز کشور نیز پتانسیل کافی برای سرمایه گذاری های اکتشافی را دارد. در حوضه زاگرس هنوز شاهد اکتشافات جدیدی در جنوب شرق این حوضه رسوبی هستیم که می توان به میادین گازی تابناک، وراوی، هما و شانول و... در جنوب شرق زاگرس اشاره کرد. با توجه به محل میادین جدید می توان انتظار داشت در بلوک اکتشافی کازرون نیز به موفقیت دست یافت. همچنین استان هرمزگان نیز با داشتن چند میدان گازی از جمله سورو، سرخون و گشو و همچنین گورزین و سلخ در جزیره قشم می تواند پتانسیل اکتشافی بسیار مناسبی باشد. کما اینکه احتمال کشف نفت نیز در این منطقه می رود (مخازن جدید نفتی و گاز، ۱۳۹۱: ۲).

بر اساس آمار رسمی منتشر شده وزارت نفت ایران مجموع ذخایر استحصال شدنی نفت خام و میعانات گازی ایران بیش از ۱۵۴۰۸ میلیارد بشکه برآورد می شود. که این میزان ۱۰ درصد میزان نفت موجود در جهان محسوب می شود. تعداد ۱۴۵ میدان هیدروکربنی و ۲۹۷ مخزن نفتی و گازی در ایران کشف شده است. تعداد ۱۰۲ از این میادین نفتی و ۴۳ عدد دیگر میادین گازی می باشند. از تعداد کل مخازن، ۲۰۵ مخزن نفتی و ۹۲ مخزن گاز طبیعی می باشند. تعداد ۷۸ از این میادین فعال می باشند که ۶۲ عدد از آنها در خشکی و ۱۶ عدد باقیمانده

در دریا قرار دارند. بنابراین ۶۷ میدان باقی مانده نیز در حال حاضر غیر فعال می باشند (ویکی پدیا : ۱۳۹۰ : ۱). از این میزان ذخیره نفت ایران، ۱۰۶ میلیارد بشکه در خشکی و ۳۱/۶ میلیارد بشکه در دریا واقع شده است (واعظی ۱۳۸۹ : ۱۴۸).

میدان‌های گازی ایران با میزان ذخیره ۲۷ تریلیون متر مکعب، رتبه دوم میدان‌های گازی جهان از لحاظ حجم گاز طبیعی جای داده شده در خود دارا هستند. این ذخایر غالباً در میدان گازی، کلاهدک‌های نفتی و یا همراه با نفت در میادین نفتی هستند (بررسی میدان‌های گازی ایران، ۱۳۹۱ : ۱). تاریخچه پیدایش گاز در ایران را می‌توان همزمان با کشف میدان نفتی مسجد سلیمان دانست (مصلح و دیگران، ۱۳۷۸ : ۴۸).

بنابراین جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که از منابع فراوان انرژی برخوردار است و همواره به عنوان یکی از صادرکننده‌های اصلی نفت و گاز محسوب می‌شده است. با توجه به اینکه در میان دو منبع بزرگ انرژی جهان دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب قرار دارد از جایگاه ویژه‌ای در سطح بین‌المللی برخوردار است. با توجه به جایگاه ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران، این کشور قادر است به طور مستقل و مستقیم، نفت و گاز استحصال شده از منبع عظیم دریای خزر را صادر کند که البته از این منظر نیز به دلیل کوتاهی مسافت از رقیب صادراتی خود که روسیه می‌باشد، می‌تواند پیشی گیرد.

نقش ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی در امنیت انرژی جهان

جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین کشور حوزه خلیج فارس و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم انرژی منطقه و جهان نقش برجسته ای دارد. بر اساس نظریه جفری کمپ تقریباً دو سوم ذخایر اثبات شده

نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. اگر ذخایر برآورد شده دریای خزر به آن اضافه گردد، درصد نسبی این ذخایر به بیش از ۷۰ درصد برای نفت و بیش از ۴۰ درصد برای گاز طبیعی می‌رسد (کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸۷). جمهوری اسلامی ایران تنها کشور منطقه خلیج فارس است که بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل در خلیج فارس و دریای عمان دارد. که طولانی‌ترین و گسترده‌ترین سواحل در بین کلیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس محسوب می‌شود. تنگه هرمز با طول ۱۸۷ کیلومتر و عرض ۵۵ تا ۹۶ کیلومتر یکی از چهارده گلوگاه استراتژیک و ممتاز جهان و همچنین یکی از هفت گذرگاه دریایی واقع در جهان اسلام است که خلیج فارس را به دریای عمان پیوند می‌دهد و روزانه ۸۰ درصد نفت کشورهای منطقه که بیش از ۲۰ میلیون بشکه است از آن عبور می‌کند (خانی، ۱۳۸۰: ۲۶۲). همچنین جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس، علاوه بر اینکه از جمعیت جوان، کارآمد و توانمند برخوردار است، از نظر کمی نیز بیشترین جمعیت را در میان کشورهای منطقه در خود جای داده است. به طوری که جمعیت ایران ۷۰ میلیون نفر کشور از مجموع جمعیت هفت کشور جنوبی خلیج فارس عربستان، عراق، کویت، امارات، قطر، عمان و بحرین دوازده میلیون نفر بیشتر است (عمق استراتژیک، ۱۳۹۱: ۲).

جمهوری اسلامی در جداول مربوط به صادرکنندگان نفت اوپک، در سال ۲۰۱۲ میلادی با ثبت آمار ۲ میلیون و ۵۸۳ هزار بشکه پس از عربستان سعودی با توان ۶ میلیون و ۶۴۴ هزار بشکه صادرات در جایگاه دوم قرار دارد و پس از ایران نیز نیجریه با صادرات دو میلیون و ۴۶۴ هزار بشکه در مقام سومین صادرکننده نفت اوپک قرار گرفته است. شایان ذکر است همچنین در جدول

صادرکنندگان جهانی نفت نیز جمهوری اسلامی ایران پس از عربستان سعودی و روسیه در جایگاه سوم جهان قرار دارد (دانش نفت، ۱۳۹۱: ۱).

چهار کشور اول تولید کننده نفت دنیا و بزرگترین میدان های نفتی جهان در این منطقه قرار دارد و قلب این بیضی نیز سرزمین جمهوری اسلامی ایران است. پس از فروپاشی شوروی رقابت بر سر منابع انرژی به یکی از مسائل رایج در جهان ژئوپلیتیک تبدیل شده است. شاید هیچ چیز به اندازه نفت و گاز در سیاست جهان و تحولات ژئوپلیتیکی امروز تأثیر نداشته باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۶۸). نکته مهمی که به این موضوع دامن زده است، افزایش بی سابقه مصرف و تقاضای جهانی برای انرژی طی سال های اخیر می باشد؛ برآوردها نشان می دهد که تقاضای جهانی برای نفت از ۷۰ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۵ به ۹۲ تا ۹۷ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۵ افزایش یابد (جفری کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

افزایش تقاضای نفت در آمریکا با تقاضای رو به افزایش کشورهای شرق و جنوب آسیا باعث شده این بیضی انرژی استراتژیک نقشی فعال تر را در سیاست های جهانی بازی کند. بنابراین در مقابل جاذبه های ژئواکونومیک هارتلند انرژی جهان، علائق ژئواکونومیک قدرت های بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا وجود دارد. زمانی که میزان ذخایر هارتلند انرژی به مرکزیت جمهوری اسامی ایران و تقاضاهای روز افزون مصرف جهانی، به ویژه ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان آن را مورد بررسی و توجه قرار می دهیم، حضور و نفوذ آمریکا در این دو منطقه سرشار از انرژی، قابل توجیه خواهد بود. این اهمیت به ویژه از آن جهت چشمگیر است که در هر پیش بینی ژئوپلیتیک در زمینه شکل دادن به یک نظام ژئوپلیتیک تک قطبی و ایجاد هژمونی جهانی، به کنترل درآوردن منابع کمیاب، به ویژه منابع تامین کننده انرژی، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

ایالات متحده آمریکا در واقع پس از یازدهم سپتامبر مناطق خاورمیانه (به طور عام) و خلیج فارس (به طور خاص) را در اهداف استراتژیک خود (عمدتاً از نظر انرژی و کنترل رقبای دیگر و هژمونی بر جهان) مهمترین منطقه تلقی و آن را سکوی پرش برای هژمونی بر مناطق دیگر قلمداد کرده است. با توجه به نیازهای نفتی اکثر قدرت های بزرگ به هارتلند انرژی، ایالات متحده آمریکا سعی دارد با تحکیم کنترل خود بر خلیج فارس و خزر و هرچه تنگ تر نمودن حلقه محاصره ایران، ابزار کنترلی قوی برای اداره امور جهانی و تحقق بخشیدن به نظام هژمونی گرایانه اش بیابد.

ایالات متحده با قرار دادن پایگاه های متعدد نظامی در اطراف ایران درصدد تهدید این کشور و حرکت دادن آن در راستای اهداف خود و پذیراندن هژمونی گری خود به این کشور است. شاید هیچ چیز به اندازه نفت و گاز در سیاست جهان و تحولات ژئوپولیتیکی امروز تاثیر نداشته باشد. بحران ها و تحولات سیاسی و مناسبات متغیر جهانی و منطقه ای، به ویژه در خاورمیانه، خلیج فارس و حوزه خزر عمدتاً متأثر از عامل نفت و گاز است (حافظ نیا، ۱۳۵۸: ۱۶۸). البته باید گفت که حضور مستقیم عامل بیگانه خود پیامد اوضاع داخلی منطقه است و با اصلاح اوضاع داخلی می توان نقش عامل بین المللی را در این منطقه کاهش داد. بنابراین عامل اصلی ناامنی، بی ثباتی و حضور بیگانه، در مسائل و مشکلات داخلی منطقه نهفته و برآیند مستقیم عملکرد کشورهای منطقه است و ضرورتاً برای از میان بردن معلول باید علت آن را از میان برد (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

رقابت بر سر منابع انرژی همواره یکی از مسائل رایج در جهان ژئوپولیتیک بوده که ضمن رو در رو کردن قدرت ها، کشورهای تولیدکننده را نیز تهدید می

نماید. نیاز روزافزون به انرژی به ویژه از سوی کشورهای تازه صنعتی شده شرق و جنوب آسیا، رقیبان جدیدی را برای مصرف‌کننده‌های سنتی ایجاد کرده و رقابت و تلاش برای استخراج، بهره‌برداری و انتقال انرژی و مسیرهای پیشنهادی، مسائل جدیدی را در مباحث ژئوپلیتیک گشوده است. در این میان نفت و گاز از آن حیث که در بیلان انرژی جهان سهم بالایی را دارند، جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند و سیاست بین‌المللی را نیز تحت الشعاع قرار داده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

با توجه به افزایش مصرف انرژی‌های فسیلی پیش‌بینی می‌شود که جهان به پیک قله نفت برسد و اکتشافات و تولید نفت رو به افول باشد. قله نفت نقطه‌های است که در آن، نفت جهانی به حداکثر ظرفیت تولید خود می‌رسد. نقطه‌ای که به تعبیر یاز آن به بعد، تولید جهانی نفت، به رغم تمامی اکتشافات و تلاش‌های فناورانه برای افزایش تولید و استفاده از منابع غیرمتعارف نفتی، رو به افول خواهد گذاشت (موسوی شفاپی، ۱۳۸۹: ۲۱۳)؛ به عبارت دیگر نقطه‌ای است که بعد از آن تولیدات میدانی نفتی سیر نزولی پیدا می‌کند، تقاضا برای نفت بالا می‌رود و تحت تاثیر این عامل قیمت نفت افزایش می‌یابد. این جمله از وزیر نفت عربستان شیخ یمانی که گفته بود: «عصر سنگ به دلیل کمبود سنگ به پایان نرسید، عصر زغال سنگ نیز به دلیل کمبود زغال سنگ به پایان نرسید، اما برعکس این دو عصر، نفت احتمالاً با کمبود نفت پایان می‌رسد» (۲۰۱۰: Friedrichs). موضوع قله تولید نفت، نخستین بار توسط زمین‌شناسی به نام هوبرت مطرح شد. وی استدلال می‌کرد که تولید نفت در میدان‌های نفتی به صورت افزایشی و به شکل منحنی خمیده یا زنگوله ۱ ابتدا به اوج می‌رسد،

سپس سیر نزولی در کاهش تولید شروع می شود (موسوی شفاپی، ۱۳۸۹، ۲۱۲:).

در مورد زمان وقوع نقطه اوج تولید نفت، نظرات متفاوتی وجود دارد. از جمله عده ای مانند ماتیو سیمونز معتقدند اوج تولید نفت خام جهانی چند سال پیش، یعنی در سال ۲۰۰۵ اتفاق افتاد و عده ای مثل کروسو رئیس اداره اطلاعات انرژی آمریکا، اوج تولید را بسته به ارزیابیها در مورد میزان ذخایر باقی مانده و نرخ رشد مصرف، بین سال های ۲۰۳۱ و ۲۰۶۸ می دانند. آمار و ارقام نشان از آن دارد که مرکزیت تولید نفت جهان، کاملاً از شمال به جنوب تغییر کرده است. نشانه این تغییر در پیش بینی استخراج جهانی در دپارتمان انرژی آمریکا آشکار است. بر این اساس، در سال ۱۹۹۰ تولیدکنندگان شمالی ۳۹ درصد کل تولید را در اختیار داشتند که این سهم در سال ۲۰۳۰ به ۲۴ درصد خواهد رسید. در حالی که سهم آفریقا، دریای خزر و خلیج فارس در این زمینه، از ۴۴ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۵۷ درصد در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید (Klare, ۲۰۰۹: ۴۴).

با این وضع بدبینی سیاست گذاران به کافی بودن منابع نفتی در آینده و عرضه آزاد این منابع در حال افزایش است. مایکل کلر مهمترین نگرانی در حوزه نفت را ناتوانی صنعت انرژی برای تنظیم مداوم خروجی های نفت جهان در جهت تأمین سطوح رو به افزایش مصرف در آینده می داند. وی به سند چشم انداز بین المللی انرژی وزارت انرژی آمریکا در سال ۲۰۰۷ استناد می کند. بر اساس این سند مصرف جهانی نفت در سال ۲۰۰۴، هشتاد و دو و نیم میلیون بشکه در روز بوده است که در سال ۲۰۳۰ به ۱۱۷ میلیون بشکه خواهد رسید. کلر ادعا میکند که با این وجود، حتی اگر تا آن زمان ظرفیت تولید نفت به ۱۱۷

میلیون بشکه در روز برسد، باز هم بعید است این میزان تولید بتواند جوابگوی نیاز مصرف کنندگان باشد (Klare, ۲۰۰۹: ۴۰).

از همین زمان بود که آمریکایی‌ها به اهمیت فزاینده نفت منطقه خلیج فارس بیش از پیش حساس شدند. کارتر در ژانویه سال ۱۹۸۰ هنگامی که در برابر کنگره سخن می‌گفت، اعلام کرد: "هر گونه تلاشی به وسیله هر قدرت بیرونی که بخواهد کنترل خلیج فارس را به دست گیرد، به منزله حمله به منافع حیاتی آمریکا تلقی شده و آمریکا با هر ابزاری، از جمله ابزار نظامی به اینگونه اقدامات پاسخ خواهد داد" (Sajadi: ۲۰۱۰). اهمیت روزافزون نفت خلیج فارس برای آمریکا در چارچوب سیرتحول و تکامل استراتژی امنیت ملی آمریکا نیز قابل تبیین است. روند تکاملی این رابطه با روی کار آمدن نومحافظه کاران آمریکا به اوج می‌رسد (موسوی شفائی، ۱۳۸۵: ۳۱۳-۳۳۱). آمریکایی‌ها در اجرای دکترین کارتر تا به حال قاطعانه عمل کرده‌اند. چامسکی دلیل عمده حمله آمریکا به عراق را ایجاد پایگاه نظامی در قلب منابع مهم انرژی جهانی می‌داند (۲۰۰۴: Chomsky). در این میان خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس و دریای خزر به دلیل داشتن ذخایر عمده انرژی از مناطق مهم ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خواهند بود. تقریباً دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. اگر ذخایر برآورد شده دریای خزر به آن اضافه گردد، درصد نسبی این ذخایر به بیش از ۷۰ درصد برای نفت و بیش از ۴۰ درصد برای گاز طبیعی می‌رسد (جفری کمپ، ۱۳۸۳: ۱۸۷).

همچنین با وجود منابع سرشار نفت و گاز حوزه دریای خزر، مشکل اساسی کشورهای این حوزه دسترسی نداشتن به آبهای آزاد است. پیش از این تنها راه انتقال منابع نفت و گاز این کشورها، خطوط لوله روسیه بود. ولی با فروپاشی

اتحاد جماهیر شوروی و گریز این کشورها از وابستگی به روسیه، اکنون چگونگی انتقال نفت و گاز این حوزه یکی از مشکلات کشورهای کرانه ای شده است زیرا نفت و گاز هر منطقه تنها در صورت رسیدن به بازارهای جهانی ارزش خواهد داشت (یزدانی و ملبوس باف، ۱۳۷۸: ۱۹۱).

از این رو جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای محصور در خشکی شمال ارزانی می دارد. این ارتباط کوتاه ترین، سریع ترین، امن ترین و اقتصادی ترین مسیر را از منطقه خزر- آسیای مرکزی به بازارهای جهانی شامل شبه قاره هند، ژاپن و خاور دور فراهم می کند، یعنی آن بخش از جهان که تقاضای آینده شان برای انرژی به صورت رشد مداوم برآورد می شود (کالجی، ۱۳۹۱: ۳).

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تلاش در راه گسترش مناسبات با کشورهای عربی واقع در جنوب خلیج فارس باید تلاش کند تا با افزایش ارتباط میان ژرفای ژئوپولیتیک شمالی خود «قفقاز، دریای خزر و آسیای مرکزی» و خلیج فارس «در ژرفای ژئوپولیتیک جنوبی اش» به مقام بی همتای جغرافیایی خود میان این منطقه پویایی بخشد. این حرکت به صورت ایجاد شبکه‌هایی از جاده، راه آهن و لوله‌های نفت و گاز میان خلیج فارس و منطقه خزر- آسیای مرکزی، از راه ایران، خود نمایی می‌کند. برنامه عظیم ایجاد این شبکه‌ها برای پویا ساختن موقعیت بی نظیر جغرافیایی عامل بزرگی است که منافع و نقش آفرینی ایران را در این منطقه گسترش می‌دهد. از همین رو ایران ارتباط ریلی خود را با کشورهای آسیای مرکزی گسترش داده و با احداث و راه اندازی راه آهن بندرعباس - بافق - مشهد - سرخس و تاجن خدمات ترابری وسیعی را در اختیار این کشورها قرار

داده است. افتتاح این راه آهن که شبکه‌های ریلی آسیای مرکزی را از ایران به خلیج فارس و اروپا متصل می‌کند، به عنوان گام بزرگی در پیشرفت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک منطقه مورد استقبال عمومی قرار گرفته است (راه ابریشم، ۱۳۸۹: ۹).

طبعاً جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری که در مرکزیت منطقه سرشار از نفت و گاز قرار گرفته و در عین حال خود نیز از منابع سرشار انرژی برخوردار است، در قرن بیست و یکم از لحاظ راهبردی و اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. کشوری که دومین تولیدکننده بزرگ نفت در اوپک و چهارمین صادرکننده نفت در جهان می‌باشد. براساس گزارش‌های آماری، حجم ذخایر اثبات شده نفت ایران ۱۳۸ میلیارد بشکه اعلام شده است. در مورد ذخایر گازی پس از روسیه ایران با ۸ / ۹۷۰ میلیارد فوت مکعب، ۱۵/۳ کل ذخایر جهان را به خود اختصاص داده است (متقی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

در حال حاضر ایالات متحده آمریکا ۲۵ میلیون بشکه در روز مصرف دارد که عمده واردات این کشور از میان کشور های خلیج فارس می‌باشد. به طوری که در فاصله سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۳ چیزی حدود ۵۸ درصد از افزایش واردات نفت خام و محصولات نفتی آمریکا را کشورهای خلیج فارس تامین کرده اند (جفری کمپ، ۱۳۸۳: ۱۹۷). این وضعیت همزمان بوده است با تقاضای رو به افزایش کشورهای شرق و جنوب آسیا که در این میان چین بارزترین نمونه است. این عوامل باعث شده این بیضی انرژی استراتژیک نقشی فعال تر را در سیاست های جهانی بازی کند و جمهوری اسلامی را به کانون امنیت انرژی جهانی تبدیل کند.

یکی از تحلیل‌های سیاسی اقتصادی مهم و تاریخی که آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ابتدای سال ۱۳۹۱ در حرم مطهر رضوی بیان کردند، مرتبط با موقعیت ژئوپولیتیکی جمهوری اسلامی می‌باشد. ایشان در مورد علت اصلی بهانه‌جویی‌های دشمن برای مقابله با جمهوری اسلامی می‌فرمایند: "بهانه دشمنی در اوقات مختلف، متفاوت است. از وقتی مسئله هسته‌ای مطرح شده است، بهانه دشمنی‌ها مسئله هسته‌ای است. البته می‌دانند و اعتراف هم می‌کنند که ایران دنبال سلاح هسته‌ای نیست. واقعیت قضیه هم همین است. ما به دلایل خودمان، به هیچ وجه دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ نه تولید کردیم و نه تولید خواهیم کرد؛ این را می‌دانند، اما یک بهانه است. یک روز این مسئله بهانه است، یک روز حقوق بشر بهانه است، یک روز فلان مسئله داخلی بهانه است؛ اما همه این‌ها بهانه است. مسئله اصلی چیست؟ مسئله اصلی، حراست مقتدرانه نظام اسلامی از ثروت عظیم نفت و گاز در این کشور است" (بصیرت، ۱۳۹۱: ۱).

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی هشدار داده است "در صورتی که آمریکا دست از پا خطا کند، جریان انرژی در منطقه به خطر می‌افتد". ایشان خطاب به آمریکا فرمودند: "شما هرگز قادر نیستید امنیت انرژی را در منطقه تامین کنید. ما به آرمان‌ها و منافع ملی خود پایبندیم و کسی که منافع ملی ما را تهدید کند، تندی خشم ملت ایران را خواهد دید" (ژئوپولیتیک تنگه هرمز، ۱۳۹۱: ۱).

بر اساس تحلیل سخنان رهبر در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران یکی از محدود بازیگران نظام بین‌الملل است که به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی، ژئواستراتژیکی (واقع شدن در منطقه با اهمیت و بحران خیز)، ژئوآکونومیکی (قرارگرفتن در مرکز هارتلند انرژی) و ژئوکالچری (الهام بخشی مسلمانان و

مرکزیت خیزش شیعه) مورد توجه قدرت های بزرگ بوده و به علت ناسازگاری با ساختار نظام بین الملل به موضوع امنیتی در روابط بین الملل تبدیل شده است. شکی نیست که یکی از مهمترین اهداف قدرت های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا در منطقه دستیابی به منابع انرژی است. گمانه زنی ها در مورد فرارسیدن نقطه اوج تولید نفت و پایان عصر این ماده با ارزش، باعث شده است که قدرت های بزرگ صنعتی مثل آمریکا در مورد بزرگترین انبار ذخایر انرژی جهان یعنی خلیج فارس حساس شوند و با هر گونه خطری در این منطقه با چنگ و دندان مقابله کنند. مهمترین خطراتی که در حال حاضر این انبار ذخایر انرژی را به زعم آنها تهدید می کنند عبارتند از خیزش شیعه، گسترش تروریسم تکفیری در منطقه، مناقشه اعراب و اسرائیل و بحث خاورمیانه هسته ای که همه این خطرات، به نوعی به جمهوری اسلامی ایران ربط داده می شود.

در حال حاضر ایالات متحده آمریکا با پیش کشیدن موضوعاتی همانند حقوق بشر، خاورمیانه بزرگ، مبارزه با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی و غیره به هر طریقی به دنبال حضور در منطقه خلیج فارس و به طور کلی هارتلند انرژی است. بنابراین یکی از اهداف بسیار مهم ایالات متحده در حمله به افغانستان و عراق، ایجاد پایگاه نظامی در این کشور به منظور تنگ کردن حلقه محاصره هارتلند انرژی و به طور خاص جمهوری اسلامی ایران به عنوان قلب بیضی انرژی استراتژیک برای تثبیت هژمونی آمریکا می باشد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران که به عنوان یک کشور مهم از دید استراتژیک در دوران جنگ سرد مطرح بوده و اکنون با عامل ژئوپولیتیک منطبق شده است، موقعیت منطقه ای آن تبدیل به موقعیت ممتاز بین المللی گردیده است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در کانون امنیت انرژی جهانی می باشد.

تجزیه و تحلیل موضوع بر اساس مدل swot

در این مدل، ابتدا باید نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیداتی را که یک کشور با آنها مواجه است شناسایی کرد و از مزایای رقابتی یک کشور نسبت به سایر کشورها آگاهی یافت. قوتها و ضعفها بر اساس این تحلیل بالفعل و مرتبط با عوامل داخلی درون سیستم، و تهدیدها و فرصتها بالقوه و مرتبط به عوامل بیرونی خارج از سیستم هستند که بر سیستم اثر می‌گذارند و بر اساس آنها به تدوین رویکردها و راهبردهای تهاجمی، تدافعی، رقابتی و محافظه‌کارانه اقدام می‌گردد (مدیریت استراتژیک بر اساس مدل SWOT، ۱۳۹۰: ۱).

بر اساس مباحث فوق، مهمترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات جمهوری اسلامی بدین شرح است: قرار گرفتن در بیضی استراتژیک انرژی، داشتن منابع انرژی عظیم نفت و گاز، داشتن خطوط لوله نفت و گاز در سراسر کشور، دستیابی به دریاها و آزادمانند خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، وسعت جمهوری اسلامی ایران، توانایی کنترل تنگه هرمز، موقعیت ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران، وجود مرزهای گسترده آبی و خاکی با ۱۵ کشور منطقه، ایدئولوژی اسلامی و پتانسیل انقلاب اسلامی، نقش رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، قرار گرفتن در کنار دریای خزر، جمعیت مناسب و نظام مردم سالاری دینی از مهمترین نقاط قوت جمهوری اسلامی می‌باشد.

همچنین ضعف تکنولوژیک صنایع انرژی بویژه نفت برتوزیع ناموازن ثروت در کشور، فرار مغزها، اقتصاد تک محصولی متکی بر فروش نفت و گاز، عدم استفاده حداکثری از مخازن مشترک نفت و گاز، دولت رانتیر نفتی، بی

توجهی به انرژی‌های جایگزین و نقش آنها در برنامه ریزی کلی انرژی کشور از مهمترین نقاط ضعف می باشد.

مهمترین تهدیدها عبارتند از: ادعاهای سرزمینی کشورهای همسایه، جزایر مصنوعی کشورهای همسایه در خلیج فارس و دریای خزر، تهدید به حمله نظامی و براندازی نرم نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، بحران خیز بودن منطقه خلیج فارس، تحریم‌های تحمیلی از سوی غرب، گسترش حضور نظامی بیگانگان در منطقه، سیاسی شدن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت، استفاده ابزاری از حقوق بشر توسط قدرتهای غربی، خریدهای بی وقفه نظامی کشورهای منطقه، رقابت جدی ترکیه و روسیه و آمریکا با ایران در تسلط بر مسیرهای صدور انرژی منطقه، تروریسم تکفیری اهل سنت، وضعیت بحرانی در کشورهای دوست ایران در منطقه، انرژی‌های تجدید پذیر و کاهش اهمیت سوختهای فسیلی، تبلیغات غرب در زمینه ایران هراسی، اسلام هراسی و شیعه هراسی می باشد.

همچنین شکست راهبردهای آمریکای در منطقه، افزایش بیداری اسلامی و خود آگاهی اسلامی، کاهش دولت‌های متخاصم در همسایگی ایران، ضعف و چالش در ارکان رژیم صهیونیستی، توان ضربه متقابل و قدرت بازدارندگی ایران، رشد شدید نیاز جهانی به گاز طبیعی، موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران، موقعیت مناسب کشور در اوپک و حضور مؤثر در تشکیل مجمع کشورهای صادر کننده گاز، تداوم رشد مصرف انرژی در کشورهای چین و هند، جنبش‌های اسلامی همسو با جمهوری اسلامی در کشورهای اسلامی از مهمترین فرصتهای بین‌المللی پیش روی جمهوری اسلامی می باشد. نقاط قوت و ضعف بالفعل هستند؛ اما فرصتها و تهدیدها بالقوه می باشند.

بنابراین برای اتخاذ استراتژی‌ها باید همزمان نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت‌ها در کنار هم قرار داد و به اتخاذ استراتژی‌های مناسب اقدام کرد. مهمترین استراتژی‌ها بر اساس یک تحلیل راهبردی و در قالب مدل «swot» به قرار زیر است:

جدول ۱- استراتژی‌های تهاجمی (SO)

Aggressive strategy (استراتژی تهاجمی)	O (فرصت)	S (قوت)
مسدود کردن تنگه هرمز در صورت تحریم صدرصد نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران	تحریم‌های احتمالی از سوی غرب	توانایی کنترل بر تنگه هرمز
بدست گرفتن بازار کالا و خدمات منطقه از طریق بسط همکاری‌های منطقه ای در قالب قراردادهای همکاری متقابل و از طریق شبکه‌های انتقال گسترده کشور	وجود بازارهای مصرفی بالقوه در کشورهای همسایه و نیاز مبرم آنها با ارائه خدمات و محصولات و مشابهت‌های فرهنگی و مذهبی با کشورهای غنی و حاصل خیز منطقه	وجود زیرساخت‌های شبکه حمل و نقلی و بر خورداری از کیلومترها مرز آبی و ارتباط با آب‌های بین‌المللی و قابلیت ایجاد اسکله‌ها و بنادر صادراتی - موقعیت دریایی بر جسته در دریای خزر
چانه زنی جهت افزایش قیمت و فروش انرژی (بالا بردن قیمت انرژی)	افزایش تقاضای جهانی انرژی	قرار گرفتن در بیضی استراتژیک انرژی جهان
ایجاد تعامل با کشورهای منطقه خزر جهت انتقال منابع دریای خزر (انتقال خطوط لوله‌ها و ارتقا موقعیت ترانزیتی)	موقعیت ممتاز ژئوپلوتیکی جهت انتقال منابع نفتی کشورهای حوزة دریای خزر	داشتن خطوط لوله نفت و گاز در سراسر کشور
افزایش صدور گاز و ارتقای	نیاز رو به گسترش بازار جهانی به	داشتن رتبه دوم ذخایر گاز طبیعی

<p>درآمد ملی از طریق سر مایه گذاری هر چه بیشتر در این صنعت و کاهش مصرف داخلی و در نتیجه، ارتقای جایگاه استراتژیک و امنیتی کشور در منطقه</p>	<p>گاز طبیعی و ظرفیت بلقوه ایران در زمینه صادرات گاز طبیعی</p>	<p>جهان (۱۶ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان) توانایی بالا در صادرات گاز طبیعی جهان</p>
<p>استراتژی صدور نفت و گاز مایع کشورهای نفتی منطقه به کشورهای مصرف کننده از طریق دریا بدون پرداخت هزینه های گمرکی</p>	<p>توانایی انتقال نفت و گاز مایع (lng) بوسیله کشتی به کشورهای مصرف کننده</p>	<p>دسترسی به دریای آزاد</p>
<p>صدور نفت به کشورهای در حال توسعه آسیایی و تصاحب بازار انرژی این کشورها</p>	<p>رشد و توسعه صنعتی کشورهای آسیایی مانند چین و هند و نیاز شدید آنها به نفت خام</p>	<p>داشتن منابع فراوان نفت و رتبه دوم نفتی در اوپک بعد از عربستان</p>
<p>رایزنی جهت انتقال لوله های نفتی و استفاده از راه آهن شمال به جنوب</p>	<p>توانایی انتقال منابع محصور نفت و گاز کشورهای قفقاز و آسیای میانه</p>	<p>موقعیت ترانزیتی بواسطه ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران</p>
<p>استراتژی ضربه دوم و واکنش سریع بعد از اولین ضربه</p>	<p>توان نظامی و بازراندگی</p>	<p>وسعت سرزمینی</p>
<p>افزایش ارتباطات بیشتر جهت انتقال کالا و خدمات از مرزهای آبی و خاکی و گرفتن حق گمرکی (افزایش در آمد های ترانزیتی)</p>	<p>وجود مرزهای گسترده با ۱۵ کشور منطقه</p>	<p>موقعیت ترانزیتی</p>
<p>استراتژی صدور انقلاب اسلامی</p>	<p>افزایش بیداری اسلامی و خود آگاهی دینی</p>	<p>ایدئولوژی اسلامی</p>

استراتژی معرفی و صدور دموکراسی دینی به کشورهای منطقه	تحولات خاور میانه و نیاز به ارائه یک الگوی بومی در منطقه	نظام مردم سالار دینی

جدول ۲- استراتژی های محافظه کارانه (WO)

Conservative strategy (استراتژی محافظه کارانه)	O (فرصت)	W (ضعف)
توسعه و بهبود روابط سیاسی تجاری با قدرتهای نوظهور اقتصادی و جلب سرمایه گذاری این کشورها جهت رفع محدودیت منابع سرمایه گذاری و انطباق سیستم مالی کشور جهت تسهیل این فرایند	پیدایش قطب های جدید قدرت اقتصادی در جهان، شامل چهار کشور برزیل، روسیه، هند و چین وجود مناطق اکتشاف نشده و پتانسیل بالای تولید مواد هیدروکربوری در بلند مدت نیاز رو به گسترش بازارهای جهانی به گاز طبیعی و ظرفیت بالقوه ایران در زمینه صادرات گاز طبیعی	محدودیت منابع سرمایه گذاری و نیاز فزاینده به جذب سرمایه گذاری و دانش فنی در صنعت گاز نظام پولی و مالی توسعه نیافته و غیر مرتبط با سیستمهای بین المللی
کاهش صدور نفت به منظور ارتقای فناوری و فراوری نفت خام در کشور	موقعیت مناسب در اوپک	مصرف فزاینده و روبه رشد گاز طبیعی در داخل کشور
ارتباط با کشورهای صاحب تکنولوژی جهت سرمایه گذاری و انتقال تکنیک های استخراج و اکتشاف به کشور و بومی کردن	افزایش تقاضای جهانی به انرژی	ضعف تکنولوژی استخراج و اکتشاف منابع نفت و گاز

تکنولوژی		
افزایش سرمایه گذاری و برداشت نفت و گاز از میدانهای مشترک و توزیع آن در کشور به منظور کاهش فاصله طبقاتی	وجود منابع نفت و گاز مشترک با کشورهای همسایه	توزیع نامتوازن منابع در کشور
کاهش وابستگی کشور به صادرات نفت و گاز و استفاده بیشتر از موقعیت ترانزیتی برای انتقال منابع انرژی و کالا و خدمات کشورهای محصور در خشکی مانند قفقاز و آسیای میانه	موقعیت ژئوپولیتیکی و ترانزیتی	اقتصاد تک محصولی مبتنی بر نفت و گاز
استفاده حداکثری از مخازن مشترک جهت جلوگیری از بهر برداری بیشتر کشورهای همسایه	افزایش تقاضای انرژی کشورهای در حال صنعتی شدن مانند چین و هند	عدم استفاده حداکثری از مخازن مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه

جدول ۳- استراتژی های رقابتی (ST)

Competitive strategy (استراتژی رقابتی)	T (تهدیدات)	S (قوت)
اتخاذ استراتژی مناسب جهت کم کردن حساسیت نسبت به ج.ا. ایران	رقابت جدی ترکیه، روسیه و آمریکا با ایران جهت جلوگیری از خطوط لوله های نفت و گاز از خاک ایران	داشتن خطوط لوله های نفت و گاز در سراسر کشور
افزایش قدرت موشکی و نظامی جهت بازدارندگی	تهدید قدرتهای خارجی و ادعای سرزمینی کشورهای همسایه مانند امارات متحده عربی و عراق	وسعت سرزمینی ایران
ایجاد امنیت دست جمعی و امنیت	گسترش حضور قدرتهای	قرار گرفتن در بیضی استراتژیک

<p>منطقه ای جهت عدم بهانه به کشورهای همسایه و قدرتهای استعمار گیر و حضور آنها در این کشورها</p>	<p>جهانی و احداث پایگاههای نظامی در مناطق حیاتی اطراف ایران مانند حوزه خلیج فارس و دریای خزر</p>	<p>انرژی جهان</p>
<p>افزایش قدرت نیروی دریایی و حضور در دریا های اطراف مانند اقیانوس هند</p>	<p>تهدید به حمله نظامی از طریق دریا و یا نامن کردن دریا های اطراف ایران</p>	<p>دسترسی به دریاهای آزاد</p>
<p>استفاده از سازمان های بین المللی و زیست محیطی جهت جلوگیری از گسترش این جزایر در این دو حوزه</p>	<p>ایجاد جزایر مصنوعی توسط کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای خزر</p>	<p>دسترسی به بیشترین سواحل در کناره خلیج فارس و دریای خزر</p>
<p>اتخاذ سیاست تعاملی سازنده با جهان، جلوگیری از روند تشدید تحریم های بین المللی، عادی سازی روابط و جلب اعتماد بین المللی به صورت هوشمندانه</p>	<p>اعمال تحریم ها و فشارهای بین المللی توسط قدرتهای غربی عدم حضور گسترده سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز ایران به دلیل فشارهای سیاسی بین المللی</p>	<p>داشتن رتبه دوم ذخایر گاز طبیعی (۱۶ درصد ذخایر گاز طبیعی) توانایی بالا در صادرات گاز طبیعی</p>
<p>ایجاد ساختار انگیزشی شامل ظرفیت تحقیقاتی و مشاغل دانش پایه، تامین مالی نخبگان با اتکا به حس ایران دوستی و ایجاد فضای باز و آزاد برای نقد سیاستها</p>	<p>فرار سرمایه های انسانی</p>	<p>وجود منابع انسانی برجسته شامل دانش آموختگان و دانشجویان و ظرفیتهای عظیم دانشگاهی</p>
<p>اتخاذ استراتژی تنش زایی و فعال کردن پتانسیل های شیعی در منطقه</p>	<p>تبلیغات مبنی بر ایران هراسی و شیعه هراسی در منطقه</p>	<p>ایدئولوژی اسلام شیعی</p>
<p>دفاع سرزمینی و موزاییکی و ایجاد جنگ نامتقارن و فرسایشی در صورت عملی شدن تهدید</p>	<p>تهدید احتمالی ایالات متحده آمریکا</p>	<p>توان موشکی ج.ا. ایران</p>
<p>اتخاذ استراتژی مناسب فرهنگی</p>	<p>تروریسم تکفیری سنی های</p>	<p>قدرت نرم ج.ا. ایران در میان</p>

شیعیان	سلفی	جهت تبلیغ و جلوگیری از ترویج اندیشه کشتار شیعیان کشورهای منطقه
توان بالقوه دیپلماتیک ج. ا. ا. ایران	وضعیت بحرانی کشورهای دوست ایران در خاورمیانه مانند سوریه ، عراق	کمکهای همه جانبه جهت جلوگیری از سقوط متحدان ایران

جدول ۴- استراتژی های تدافعی (WT)

Defensive strategy (استراتژی تدافعی)	T (تهدید)	W (ضعف)
اختصاص بودجه بیشتر به فعالیتهای تحقیق و توسعه، رشد دانش بنیان و تلاش برای توسعه درون زای تکنولوژی	فاصله قابل توجه با کشورهای پیشرو در فن آوری های برتر	فناوری های کهنه و غیر کارای تولید و عرضه کالا و خدمات
همکاری و همراهی با روسیه در ورود به بازار اروپا و وارد نشدن به رقابت مخرب با این کشور	توسعه پر شتاب صنعت گاز کشورهای روسیه و قطر و سیطره این دو بر بازارهای جهانی و نقش موثر آنها در تعیین قیمت	مصرف بی رویه داخلی نفت و گاز که نتیجه آن تاثیر گذاری اندک ایران در سازو کار تعیین قیمت گاز در بازارهای جهانی
نفوذ اطلاعاتی در میان شرکتهای صاحب تکنولوژی از راههای مقذور و مرموز	تحریم شرکتهای نفتی در زمینه صدور تکنولوژی به ج. ا. ا. ایران	ضعف تکنولوژی استخراج و اکتشاف نفت و گاز
حذف نفت از درآمد کشور و استراتژی امنیت انرژی به عنوان موتور	استفاده از انرژی به عنوان یک اسلحه توسط قدرتهای غربی	اقتصاد تک محصولی و وابسته به صدور انرژی

توسعه اقتصاد جهانی		
استفاده حداکثری از مخازن مشترک و تمرکز روی این مخازن	استفاده بی رویه و بیشتر همسایگان از مخازن مشترک نفت و گاز	عدم استفاده حداکثری از مخازن مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه
استراتژی تبلیغ و ترویج مصرف بهینه نفت و گاز در داخل کشور	رقابت جدی عربستان و روسیه جهت تصاحب بازار انرژی	افزایش مصرف بی رویه نفت و گاز در داخل کشور
توجه به انرژی های پاک مانند انرژی هسته ای	کاهش اهمیت سوختهای فسیلی در آینده و یا رسیدن به پیک تولید در آینده و کاهش تدریجی ذخایر مخازن	بی توجهی به انرژی های جایگزین
برنامه ریزی معقول جهت تشویق شهروندان ایران جهت بالا بردن نرخ مولید	کاهش رشد جمعیت در دهه های بعدی	کاهش نرخ رشد جمعیت کشور

نتیجه گیری :

جمهوری اسلامی ایران با واقع شدن در مرکز بیضی استراتژیک انرژی دنیا از جایگاه منحصر بفردی در امنیت انرژی منطقه ای و جهانی برخوردار می باشد. پس با به کار بردن استراتژی مناسب می تواند وزن ژئوپولیتیک خود را ارتقا دهد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران باید با در نظر گرفتن نقاط قوت، ضعفها، فرصتها و تهدیدها در راستای دفاع از امنیت ملی و منافع ملی اقدام به انتخاب استراتژی های مناسب در سیاست داخلی و خارجی خود نماید. اول اینکه با توجه به نقاط قوت و فرصت استراتژی های ذیر را در سیاست های خود در نظر داشته باشد. مهمترین این استراتژی عبارتند از: با توجه به توانایی تسلط و کنترل تنگه هرمز و توانایی ضربه متقابل به دشمن و قدرت بازدارندگی در شرایط خیلی اضطراری و حاد که بقای خویش را در خطر ببند به مسدود کردن تنگه هرمز در

صورت تحریم صد درصد نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایید. همچنین با توجه به وجود زیر ساختهای شبکه حمل و نقلی و برخورداری از کیلومترها مرز آبی و ارتباط با آب های بین المللی و قابلیت ایجاد اسکله ها و بنادر صادراتی، موقعیت دریایی بر جسته در دریای خزر و فرصتهایی چون وجود بازارهای مصرفی بالقوه در کشورهای همسایه و نیاز مبرم آنها با ارائه خدمات و محصولات و مشابهت های فرهنگی و مذهبی با کشورهای غنی و حاصل خیز منطقه می تواند از طریق استراتژی بسط همکاری های منطقه ای در قالب قراردادهای مختلف، همکاری متقابل منطقه ای و از طریق شبکه های انتقال نفت و گاز گسترده در کشور، جایگاه منطقه ای کشور را با اتکا به شرایط و مشابهت های فرهنگی با کشورهای منطقه بدنبال تصاحب بازار گاز کشورهای مصرف کننده در منطقه باشد.

دیگر اینکه با توجه به قرار گرفتن در بیضی استراتژیک انرژی جهان و افزایش تقاضای جهانی به انرژی به چانه زنی جهت افزایش قیمت و فروش انرژی یعنی بالا بردن قیمت نفت و گاز اقدام نماید. همچنین با توجه به داشتن خطوط لوله نفت و گاز در سراسر کشور و موقعیت ممتاز ژئوپولتیکی جهت انتقال منابع نفتی کشورهای حوزه دریای خزر به ایجاد تعامل با کشورهای منطقه خزر جهت انتقال منابع دریای خزر از طریق خاک خود اقدام نماید.

جمهوری اسلامی با داشتن رتبه دوم ذخایر گاز طبیعی جهان (۱۶ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان)، توانایی بالا در صادرات گاز طبیعی جهان، نیاز رو به گسترش بازار جهانی به گاز طبیعی و ظرفیت بالقوه ایران در زمینه صادرات گاز طبیعی با سرمایه گذاری هر چه بیشتر به این صنعت، اختصاص بودجه به طرح های توسعه میادین در این حوزه و کاهش مصرف داخلی می تواند از این منبع

جهت افزایش صادرات و بالا بردن درآمد ملی اقدام و جایگاه استراتژیک و امنیتی کشور در منطقه را ارتقا بخشید. همچنین با توجه به دسترسی جمهوری اسلامی ایران به دریا‌های آزاد و توانایی انتقال نفت و گاز مایع بوسیله کشتی نفت کش به کشورهای مصرف کننده اقدام و استراتژی صدور نفت و گاز مایع و کالا و خدمات را به کشورهای مصرف کننده از طریق دریا بدون پرداخت هزینه های گمرکی دنبال نماید.

داشتن منابع فراوان نفت و رتبه دوم نفتی در اوپک بعد از عربستان رشد به علاوه رشد و توسعه صنعتی کشورهای آسیایی مانند چین و هند و نیاز شدید آنها، استراتژی صدور نفت به کشورهای در حال توسعه آسیایی و در نهایت تصاحب بازار انرژی این کشورها را دنبال نماید. همچنین با توجه به موقعیت ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران به واسطه ژئوپولیتیک این کشور و همینطور منابع محصور نفت و گاز کشورهای قفقاز و آسیای میانه جمهوری اسلامی ایران باید به رایزنی جهت انتقال لوله های نفتی و استفاده از راه آهن شمال به جنوب ادامه دهد. دیگر اینکه با توجه به وسعت سرزمینی و توان نظامی و بازدارندگی در صورت حمله ناگهانی استراتژی ضربه دوم و واکنش سریع را بعد از اولین ضربه را برگزیند. همچنین با توجه به موقعیت ترانزیتی و داشتن مرزهای گسترده با ۱۵ کشور منطقه جهت افزایش ارتباطات بیشتر و انتقال کالا و خدمات از مرزهای آبی و خاکی و گرفتن حق گمرکی و در نهایت افزایش درآمدها اقدام نماید.

جمهوری اسلامی باید با در نظر گرفتن قدرت نرم ایدئولوژی اسلام شیعی و مولفه های شهادت و انتظار و با توجه به فرصتهای بیداری اسلامی و خود آگاهی دینی در میان مسلمانان، اندیشه ترویج صدور انقلاب اسلامی را در کشورهای منطقه با اولویت رویکرد فرهنگی دنبال نماید. همچنین با توجه به

قوت اندیشه مترقی ولایت فقیه و نگاه انتقادی به سکولاریسم و ناسیونالیسم در میان مسلمانان کشورهای منطقه، مدل الگوی موفق از تز ولایت فقیه را به جهان اسلام ارائه دهد و با معرفی تجربه مردم سالار دینی و با توجه به فرصتهایی مانند شورشها و اعتراضات کشورهای منطقه علیه حکومت‌های وقت در منطقه، به صدور و معرفی دموکراسی دینی به کشورهای منطقه اقدام نماید.

دوم اینکه با در نظر گرفتن نقاط ضعفها و فرصتها، در راستای دفاع از امنیت ملی و منافع ملی اقدام به انتخاب استراتژی‌های ذیل در سیاست داخلی و خارجی خود نماید. مهمترین این استراتژی‌ها عبارتند از: نخست با توجه به محدودیت منابع سرمایه گذاری و نیاز فزاینده به جذب سرمایه گذاری و دانش فنی در صنعت گاز، نظام پولی و مالی توسعه نیافته و غیر مرتبط با سیستمهای بین المللی، پیدایش قطب‌های جدید قدرت اقتصادی در جهان، شامل چهار کشور برزیل، روسیه، هند و چین، وجود مناطق اکتشاف نشده و پتانسیل بالای تولید مواد هیدروکربوری در بلند مدت، نیاز رو به گسترش بازارهای جهانی به گاز طبیعی و ظرفیت بالقوه ایران در زمینه صادرات گاز طبیعی به توسعه و بهبود روابط سیاسی تجاری با قدرتهای نوظهور اقتصادی و جلب سرمایه گذاری این کشورها جهت رفع محدودیت منابع سرمایه گذاری و انطباق سیستم مالی کشور جهت تسهیل این فرایند اقدام نماید.

دیگر اینکه با در نظر گرفتن شدت مصرف انرژی بالا و مصرف فزاینده و روبه رشد گاز طبیعی در داخل کشور و موقعیت مناسب در اوپک با صرفه جویی و استفاده بهینه از نفت و گاز به منظور افزایش ارتقای جایگاه کشور در اوپک اقدام ورزد. همچنین با توجه به ضعف تکنولوژی استخراج و اکتشاف منابع نفت و گاز و افزایش تقاضای جهانی به انرژی به ارتباط و تعامل با کشورهای صاحب

تکنولوژی جهت انتقال تکنیک های استخراج و اکتشاف به کشور و بومی کردن تکنولوژی مبادرت ورزد. دیگر اینکه با کاهش تدریجی رشد جمعیت کشور در درازمدت و افزایش تقاضای جهانی به انرژی های فسیلی مانند نفت و گاز افزایش صادرات نفت و گاز به کشورهای مصرف کننده انرژی را در دستور کار قرار دهد و بازار کشورهای وارد کننده انرژی را تصاحب نماید.

همچنین با توجه به اقتصاد تک محصولی مبتنی بر نفت و گاز و موقعیت ژئوپولیتیکی و ترانزیتی کشور استراتژی کاهش وابستگی کشور به صادرات نفت و گاز را دنبال و استفاده بیشتر از موقعیت ترانزیتی برای انتقال منابع انرژی و کالا و خدمات کشورهای محصور در خشکی مانند قفقاز و آسیای میانه را جهت افزایش درآمدهای ناشی از ترانزیت در دستور کار قرار دهد. جمهوری اسلامی باید با توجه به ضعف خود که ناشی از عدم استفاده حداکثری از مخازن مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه می باشد و با توجه به افزایش تقاضای انرژی کشورهای در حال صنعتی شدن مانند چین و هند به استفاده حداکثری از مخازن مشترک جهت جلوگیری از بهر برداری بیشتر کشورهای همسایه مبادرت ورزد.

سوم اینکه جمهوری اسلامی ایران می تواند با در نظر گرفتن نقاط قوت و تهدیدها در راستای دفاع از امنیت ملی و منافع ملی اقدام به انتخاب استراتژی های ذیر نماید. مهمترین این استراتژی عبارتند از: نخست با توجه به داشتن خطوط لوله های نفت و گاز در سراسر کشور و رقابت جدی ترکیه، روسیه و آمریکا با جمهوری اسلامی ایران جهت جلوگیری از خطوط لوله های نفت و گاز از خاک ایران استراتژی امنیت انرژی جهانی و تعامل با کشورهای را جهت کم کردن حساسیت نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نماید. دیگری اینکه با در نظر گرفتن وسعت سرزمینی و تهدید قدرتهای خارجی و ادعای سرزمینی

کشورهای همسایه مانند امارات متحده عربی و عراق به افزایش قدرت موشکی و هسته ای خود جهت بازدارندگی اقدام نماید.

همچنین جمهوری اسلامی با قرار گرفتن در بیضی استراتژیک انرژی جهان و از طرفی گسترش حضور قدرتهای جهانی و احداث پایگاههای نظامی در مناطق حیاتی اطراف ایران مانند حوزه خلیج فارس و دریای خزر سعی نماید به ایجاد امنیت دست جمعی و امنیت منطقه ای جهت عدم بهانه به کشورهای همسایه و قدرتهای استعمارگر و حضور آنها در این کشورها اقدام نماید. دیگر اینکه با توجه به تسلط و توانایی جمهوری اسلامی در کنترل تنگه هرمز و در صورت ادامه تحریم های همه جانبه صنعت نفت و گاز و مزاحمتهای زیاد و غیر قابل تحمل، استراتژی بسته شدن تنگه هرمز را دنبال نموده و بدین صورت زیان های تحریم را تقسیم نماید.

همچنین با توجه به دسترسی جمهوری اسلامی ایران به دریا های آزاد و تهدیدات نظامی از طریق دریا و یا ناامن کردن دریا های اطراف کشور، جمهوری اسلامی باید با افزایش قدرت نیروی دریایی در دریا های اطراف مانند اقیانوس هند، استراتژی حضور در دریا های اطراف را دنبال کند. ضمناً با توجه به دسترسی جمهوری اسلامی ایران به بیشترین سواحل در کناره خلیج فارس و دریای خزر و تهدیدات ایجاد و احداث جزایر مصنوعی توسط کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای خزر می طلبد که جمهوری اسلامی با استفاده از سازمان های بین المللی و زیست محیطی جهت جلوگیری از گسترش این جزایر در این دو حوزه اقدامات آنی را اتخاذ نماید.

همچنین جمهوری اسلامی با داشتن رتبه دوم ذخایر گاز طبیعی (۱۶ درصد ذخایر گاز طبیعی) و توانایی بالا در صادرات گاز طبیعی همراه با اعمال تحریم

ها و فشارهای بین‌المللی توسط قدرتهای غربی، عدم حضور گسترده سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز ایران به دلیل فشارهای سیاسی بین‌المللی، باید استراتژی اتخاذ سیاست تعاملی سازنده با جهان را جهت جلوگیری از روند تشدید تحریم‌های بین‌المللی و عادی‌سازی روابط و جلب اعتماد بین‌المللی به صورت هوشمندانه دنبال نماید. وجود منابع انسانی برجسته شامل دانش‌آموختگان دانشگاهی و نخبگان و ظرفیتهای عظیم دانشگاهی در کنار فرار سرمایه‌های انسانی و بعضاً فیزیکی، ایجاد ساختار انگیزشی شامل ظرفیت تحقیقاتی و مشاغل دانش‌پایه، استراتژی تامین مالی نخبگان با اتکا به حس ایران دوستی و ایجاد فضای باز و آزاد برای نقد سیاستها طلب می‌نماید تا از هدر رفتن سرمایه‌های اجتماعی جلوگیری شود.

ایدئولوژی اسلام شیعی و هراس کشورهای منطقه از گفتمان ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی استراتژی تنش‌زایی در منطقه را طلب می‌نماید. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران ام‌القرای جهان اسلام است و با در نظر گرفتن احتمال افزایش قدرت رژیم صهیونیستی در آینده و ادامه تجاوزات جمهوری اسلامی باید ابتدا سعی کند ماهیت تجاوز طلبانه این رژیم را برای افکار دنیا بازگو کند و تلاش نماید این رژیم را ملزم به اجرای قوانین بین‌المللی نماید و در صورت بی‌توجهی این رژیم به مقررات و قواعد همزیستی و ادامه تجاوزات و دخالت و ماجراجویی علیه کشورهای منطقه بر خلاف قواعد بین‌المللی، ضرورت دارد استراتژی جنگ‌های فرسایشی در منطقه علیه رژیم صهیونیستی بوسیله جنبش‌های اسلامی و کشورهای منطقه دنبال شود.

دیگر اینکه با توجه جمعیت مناسب در حال حاضر و کاهش رشد تدریجی جمعیت در دهه‌های بعدی باید دولتمردان برنامه‌ریزی جهت تشویق شهروندان

ایران را با در نظر گرفتن امکانات و شرایط اقتصادی کشور، بالا بردن نرخ موالید را در دستور کار خود قرار دهند. توان موشکی جمهوری اسلامی ایران و تهدیدات احتمالی ایالات متحده آمریکا استراتژی حمله به پایگاهها آمریکا در منطقه و دفاع سرزمینی و موزاییکی و ایجاد جنگ نامتقارن و فرسایشی در صورت عملی شدن تهدید را طلب می نماید. دیگر اینکه با توجه به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در میان شیعیان و تهدیدات تروریست تکفیری و سنی های وهابی و سلفی لازم است استراتژی مناسب فرهنگی را جهت تبلیغ و جلوگیری از ترویج اندیشه کشتار شیعیان کشورهای منطقه در دستور کار قرار دهد. دیگر اینکه با توجه به توان بالقوه دیپلماتیک و نظامی و تسخیراتی جمهوری اسلامی ایران و وضعیت بحرانی کشورهای دوست ایران در خاورمیانه مانند سوریه، عراق، کمک های همه جانبه جهت جلوگیری از سقوط متحدان ایران باید در دستور کار قرار دهند.

چهارم جمهوری اسلامی ایران می تواند با در نظر گرفتن ضعف ها و تهدیدها در راستای دفاع از امنیت ملی و منافع ملی اقدام به انتخاب استراتژی های زیر نماید. نخست با توجه به فناوری های کهنه و غیر کارای تولید در عرضه کالا و خدمات و فاصله قابل توجه با کشورهای پیشرو در فن آوری های برتر باید بودجه بیشتر به فعالیتهای تحقیق و توسعه اختصاص و زمینه توسعه درون زای تکنولوژی را فراهم کند. همچنین با توجه به مصرف بی رویه داخلی نفت و گاز که نتیجه آن تاثیر گذاری اندک جمهوری اسلامی ایران در سازو کار تعیین قیمت گاز در بازارهای جهانی است و همینطور توسعه پر شتاب صنعت گاز کشورهای روسیه و قطر و سیطره این دو بر بازارهای جهانی و نقش موثر آنها در تعیین قیمت گاز، جمهوری اسلامی باید به همکاری و همراهی با روسیه در

ورود به بازار اروپا و وارد نشدن به رقابت مخرب با این کشور و واگذاری تعیین قیمت گاز به روسیه اقدام کند تا منافع ملی بوسیله سیاستهای جمعی تامین گردد. دیگر اینکه با توجه به ضعف تکنولوژی استخراج و اکتشاف نفت و گاز و تحریم شرکتهای نفتی در زمینه صدور تکنولوژی جمهوری اسلامی باید به نفوذ اطلاعاتی در میان شرکتهای صاحب تکنولوژی از راهای مقدر و مرموز اقدام شود. همچنین با توجه به اقتصاد تک محصولی و وابسته به صدور انرژی و استفاده از انرژی به عنوان یک اسلحه توسط قدرتهای غربی دولتمردان ایران باید بدنبال حذف نفت از درآمد ارزی کشور باشند و مورد دیگر اینکه با توجه به افزایش مصرف بی رویه نفت و گاز در داخل کشور و رقابت جدی عربستان و روسیه جهت تصاحب بازار انرژی باید استراتژی تبلیغ و ترویج مصرف بهینه نفت و گاز در داخل کشور پیگیری شود. بی توجهی به انرژی های جایگزین و کاهش اهمیت سوختهای فسیلی در آینده و یا رسیدن به پیک تولید در آینده و کاهش تدریجی ذخایر مخازن لزوم توجه به انرژی های پاک مانند هسته ای و هیدروژنی را طلب می نماید. رویهم رفته اتخاذ استراتژی مناسب در حوزه انرژی بر اساس تهدیدات، فرصتها، نقاط ضعف ها و قوت ها از سوی جمهوری اسلامی ایران نقشی بسیار تعیین کننده و دارای آثار متعدد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در سطح منطقه و جهان خواهد بود.

منابع نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران در معادلات اقتصادی - سیاسی جهان اهمیت راهبردی دارند و در فرآیند روابط بین‌الملل نقش مهمی می‌توانند ایفا کنند. وابستگی شدید کشورهای توسعه‌یافته به انرژی نهفته در کشورهای دارنده این ذخایر فرصت‌ها و تهدیدهای راهبردی را برای این کشورها و از جمله کشور جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند. در این میان جمهوری اسلامی ایران با قرار گرفتن در میان دو حوزه نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر در کانون منطقه‌ای قرار گرفته که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می‌کند، به گونه‌ای که از نظر کارکرد بسان قلب جهان عمل می‌کند. از این رو در ژئوپولیتیک انرژی جهان ایران در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد.

جمهوری اسلامی ایران با قرار گرفتن در بیضی استراتژیک انرژی، منطقه خاورمیانه و به طور خاص خلیج فارس و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز در حوزه‌هایی واقع شده که هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی پایدار و توافق شده در آن وجود ندارد. به رغم پیشرفت نظام‌های امنیت منطقه‌ای در سراسر جهان به ویژه بعد از پایان جنگ سرد و در چهارچوب تحولات جهانی شدن، هنوز منطقه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران فاقد ترتیبات امنیتی نهادینه شده است. تروریسم، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی - مذهبی، جرائم سازمان‌یافته، دولت‌های ضعیف و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله چالش‌ها و موانع امنیتی عمده‌ای است که جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامون خود با آنها روبه‌روست. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی خود با چالش‌های امنیتی متعددی روبه‌رو است که به صورت دائمی و به واسطه تحولات و روندهای منطقه‌ای باز تولید می‌شود.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید در جهت کاهش تهدیدات امنیتی ناشی از محیط پیرامونی و به منظور کمک به بهبود امنیت منطقه ای، رویکرد امنیت سازی مبتنی بر همکاری و مشارکت با سایر بازیگران منطقه ای را در جهت حل و فصل چالش ها و معضلات امنیتی در پیش بگیرد. در واقع امنیت انرژی جهانی مستلزم ایجاد «امنیت جمعی» می باشد. این امر مستلزم یک نظام امنیتی مشترک است که در آن راهبردهای امنیتی تمام کشورها یکپارچه گردیده و یکدیگر را تکمیل نمایند. ایجاد این نظام نیازمند توافق بر سر گروهی از اقدامات مشترک است. بهترین راه نیل به چنین هدفی اقدامات دیپلماتیک در جهت ایجاد اعتماد است.

برای تبدیل جهان به یک منطقه ی صلح و امنیت باید حسن نیت جایگزین سوءنیت شود و این نیاز اساسی امروزی در جهان به شمار می رود زیرا نظام کنونی امنیت انرژی بسیار ناکارآمد. آنچه بر بازار جهانی نفت حاکم است یک نظام فراگیر اجماعی برای مدیریت توانان عرضه، تقاضا و قیمت، به نحوی که منافع تولیدکنندگان و مصرف کنندگان را به صورت همزمان و متناسب تامین کند، وجود ندارد بلکه صرفا ترکیبی از روشها و تاکتیکها است که در پاسخ به بحرانهای نفتی دهه هفتاد و برای شرایط اضطراری اختلال در عرضه نفت با هدف تامین منافع کشورهای مصرف کننده عمدتاً توسعه یافته ایجاد شده است. به طور طبیعی چنین نظامی چون مبتنی بر الگوی امنیت ملی و بازی برد-باخت است. این نظام تولیدکنندگان و مصرف کنندگان را در مقابل هم قرار داده است. پس آنچه بازار جهانی انرژی نیاز دارد نظامی فراگیر، مبتنی بر نگرش امنیت بین المللی و بازی برد- برد به امنیت انرژی است که نفع و سهم متناسب تمامی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان بازار جهانی انرژی را شامل شود.

منابع

الیاس زاده، رامین و دیگران (۱۳۸۹). «ساختار پهنه کوهزاد زاگرس در شمال باختر ایران»، *فصلنامه زمین شناسی ایران*. سال چهارم، شماره شانزدهم، ص ۲۵.

«بررسی میدان های گازی ایران» (۱۳۹۱). گروه انرژی، برگرفته از :
<http://www.bazarkhabar.ir>

بصیرت (۱۳۹۱). «سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای». برگرفته
از: <http://www.basirat.ir/>

حسن تاش، غلام حسین (۱۳۹۱). «جهان غرب و امنیت انرژی». برگرفته از :
<http://vista.ir/article/۳۲۴۵۶۳>

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک». مشهد: انتشارات پاپلی. چاپ
اول.

دانش نفت (۱۳۹۱). «بایدها و نبایدهای تثبیت جایگاه ایران در اوپک». بر گرفته از
<http://www.daneshenaft.ir/>

راه ابریشم (۱۳۸۹). راه آهن در مسیر راه ابریشم، نشریه وزارت راه و ترابری، سال
شانزدهم، شماره ۱۱۵.

رنجبر، مقصود (۱۳۷۸). «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»،
پژوهشکده مطالعات راهبری، چاپ اول.

«ژئوپلیتیک تنگه هرمز و مزایای امنیتی - اقتصادی آن برای ایران» (۱۳۹۱). برگرفته از :
<http://www.psyop.ir/>

خانمی، علیرضا (۱۳۸۰). «دمو گرافی خلیج فارس»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، بهمن و
اسفند.

«عمق استراتژیک» (۱۳۹۱). برگرفته از : <http://farsi.khamenei.ir/>

کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳). «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه». ج ۱. ترجمه سید مهدی حسینی متین. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کالجی، شهرام (۱۳۹۱). «ایران و انتقال انرژی آسیای مرکزی و قفقاز» برگرفته از:

<http://vista.ir/?view=context&id=۳۵۷۷۲۵>

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱). «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی». تهران: سمت.

موسوی شفائی، مسعود (۱۳۸۹). «ابعاد و پیامدهای پایان عصر نفت». روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). «جایگاه ایران در بازار انرژی آسیای مرکزی». دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی. سال اول شماره ۱، زمستان و بهار.

مهدوی رجاء، غلامرضا (۱۳۸۹). «امنیت انرژی و راهکارهای پیش روی ایران». برگرفته از:

www.danshenaft.ir

موسوی شفایی، سید مسعود (۱۳۸۵). «جایگاه نفت خلیج در سیاست انرژی آمریکا»، بررسی های اقتصاد انرژی، سالم پنجم، شماره ۳.

موسوی شفایی، سید مسعود (۱۳۸۶). «امنیت انرژی: محور تعامل سازنده و موتور توسعه ملی»، فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

«میدان های نفت و گاز» (۱۳۹۱). برگرفته از: <http://www.pm-kbase.com>

مصلح، کامران و دیگران (۱۳۷۸). «استفاده بهینه از منابع گازی در ایران»، تهران، موسسه مدیریت انرژی افق، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ویرایش فیبا، چاپ اول.

واعظی، محمود (۱۳۸۶). «تحولات جهانی در عرصه انرژی و موقعیت جمهوری اسلامی

ایران»، معاونت پژوهش های سیاست خارجی. <http://www.csr.ir/departments.aspx>

هاشم خوبی و زهرا جعفری (۱۳۸۶) «نگاهی به انرژی در ایران»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۸۱۰۹، بهمن ماه .

یزدانی، عنایت‌الله و مهدیه ملبوس باف (۱۳۸۷)، «طرح‌های خطوط لوله انرژی در حوزه دریای خزر»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره نهم.

BP Statistical Review of World Energy(۲۰۱۲).from:.

<http://www.bp.com/>

Chomsky, Noam (October ۲. ۲۰۰۴); "Understanding the Bush Doctrine " ,www.chomsky.info

Friedrichs, Jorg (۲۰۱۰); "Global energy Crunch: How Different Parts of the World Would React to a Peak Oil Scenario, Elsevier", *Energy Policy*, ۳۸,pp ۴۵۶۲-۴۵۶۹

Oyama, Kosuke(۲۰۰). Japanese Energy Security & Changing Energy Markets, Keio University,May

Robert L.Larsson(۲۰۰۶). Russian Energy policy:Security Dimension and Russia's Energy Policy, security defense research agency, March.

Sajedi, Amir (Summer ۲۰۰۹); "Geopolitics of the Persian Gulf Security: Iran and the U. S"- *IPRI Journal*, IX, no.۲: ۷۷-۸۹

Klare T. Michael (۲۰۰۹); "Petroleum Anxiety and the Militarization of Energy Security.

Winstone, Ruth(۲۰۰۷), Paul Bolton & Donna Gore, *Energy Security* House of Commons Libt.RESEARCH PAPER . P. ۱., House ۳۸.